

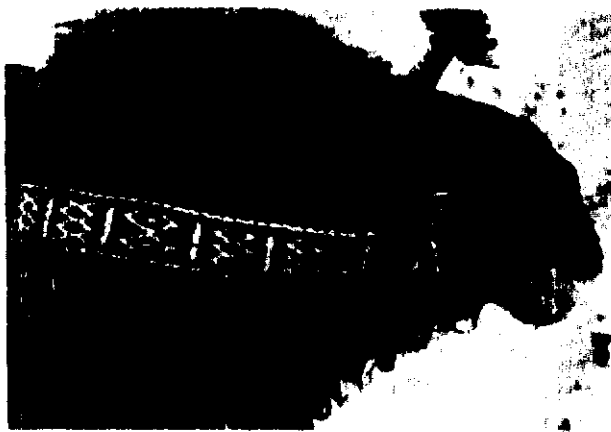
نقش و نگارهای عامیانه ایران و اهمیت گردآوری و بررسی آنها

هوشنگ پور کریم

بردند و با کاخ‌ها و فرش کاخ‌ها و پسرده‌های حریر و جامه‌های زردوز و اوراق و احکام و دفتر و دیوان و با متعلقات دیگر همان قشرها مأنوس شدند. ولی دسته دیگری از نقش و نگارها در قاطبه مردم باقی ماندند و سرنوشتشان را در بوریای کلبه‌ها و کاسه کوزه‌های گلین و جامه‌های چوپانی دنبال کردند. این دودسته نقش و نگارها، سالیان تاریخ را بموازات هم پیش آمدند و هر یک ضمن الهام از محیط مأنوس خود گاهی نیز بهم راه یافتند و یا از هم متأثر شدند: ولی همواره از هم متمایز بودند. چنانکه اینک نیز به سهولت می‌توان دسته‌ئی از نقش و نگارها را که در هنرهای تصویری ولی رسمی ایران (اهم از فرش و کاشی و منبت و خاتم و قلمکار...) راه دارند از دسته دیگر نقش و نگارها باز شناخت که در زندگی روزمره قاطبه مردم و مخصوصاً در روستاها دیده می‌شوند و می‌توان آنها را «نقش و نگارهای عامیانه ایران» نامید. این نقش و نگارها چنانکه باید تاکنون گردآوری و تنظیم و بررسی نشده‌اند. به این لحاظ مقالاتی را که مقدماً در این مورد انتشار می‌یابد می‌توان باب مباحثه و اقتراحی دانست که گشوده می‌شود.

نقش و نگارهای عامیانه ایران، از میان انواع هنرهای عامیانه دیگر ایران، به سبب گسترش فوق‌العاده‌اش در پدیده‌های گونه‌گون زندگی قاطبه مردم - خصوصاً مردم ایلات و روستاها و شهرک‌ها - مقام و موقع خاصی دارد.

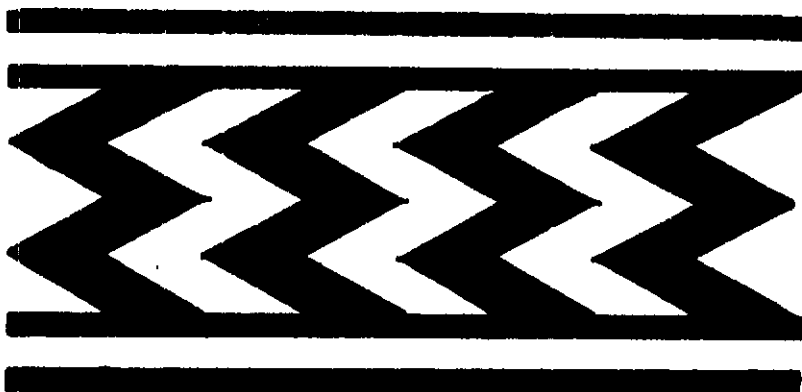
بررسی نقش و نگارهایی که انسان‌های کهن در غارها حکاکی کرده‌اند و یا بررسی نقش و نگارهایی که از ادوار گذشته تاریخی بر سفالینه‌ها و اشیاء سفالی باقی مانده‌اند از مدت‌ها پیش معمول بوده است. علمای باستان‌شناسی با بررسی علمی این نقش و نگارها و تحلیل رموز و علائم آنها به شناسائی خصوصیات اجتماعات گذشته انسانی کمک کرده‌اند. در ایران نیز با مطالعه نقش و نگارهای باستانی و مقایسه نقوش یک دوره با دوره‌ئی دیگر به برخی خصوصیات اجتماعی دوره‌های گذشته دسترسی یافته‌اند. این نقش و نگارها مخصوصاً پیش از همه بر ظروف سفالین دیده می‌شود. پیداست که این ظروف، گشته از رفع نیازمندیهای روزمره، به علت نقش و نگارهایی که بر آنها نگاشته شده است وسیله بیان مسهوبات و تجارب اجتماعی و معتقدات مذهبی و فرهنگی نیز بوده‌اند. بملاوه، ضمن روابط عدیده‌ئی که بین اجتماعات و فرهنگهای محلی وجود داشته است، بسیاری از نقش و نگارها از جایی به جایی دیگر منتقل شده‌اند. در این نقل و انتقال‌ها، گاهی ممکن می‌شد که جزئی کوچک یا بزرگ از یک نقش و نگار کم شود و یا جزء جدیدی بر آن بیفزاید. به مرصورت، سرنوشت و خصوصیات هنرنقش و نگاری از یک جامعه یا سرنوشت و خصوصیات عمومی آن جامعه در ارتباط بود. از جمله اینکه، طی تاریخ تکامل اجتماعی در ایران، دسته‌ئی از نقش و نگارها به قشرهای ممتاز اجتماع راه



از جمله می‌توان این پدیده‌های زندگی را شمرده که نقش و نگارهای عامیانه در آنها دیده می‌شوند: در جامه‌های مردم، در ظرف‌های خوراک-پزی و خوراک‌خوری، در فرش‌ها و وسائل خواب، در اجزاء خانه نظیر دیوار و ستون و سرستون و نرده و در و پنجره، در ابزارهای کارومیش، در وسیله‌ها و علائم عزاداری و مرگ و میر، در سازها و ابزارهای طرب...

یکی دیگر از خصوصیات نقش و نگارهای عامیانه ایران این است که پدیدآورندگان آنها عموماً مردمی عامی‌اند. مثلاً بعضی از چوپانان ضمن گله‌چرانی و بعضی از زنان روستائی در ساعات بیکاری جوراب نقشین می‌بافند. نجاران روستائی نرده‌ها و سرستون‌ها را به‌انگاره‌هایی می‌تراشند و به‌نقش‌هایی می‌آرایند. ساربانان با پشم شتر بر جل و افسار شترهاشان نقش‌هایی می‌بافند. سفالگران بر کاسه کوزه‌ها به نقش و نگار می‌پردازند. فلزکاران نیز بر ابزارها و ظرف‌های فلزی که می‌سازند نقش‌هایی کنده-کاری می‌کنند. سنگ‌تراشان، گلیم‌بافان، نمد-مالان... هر يك در کار و معیشت خود به‌نحوی با جهان نقش‌ها در رابطه‌اند و سازنده بخشی از این جهانند و این نقش‌ها که پدید می‌آورند گواه ذوق و اعتقاد و بینش آنان است که نه کتاب خوانده‌اند و نه مدرسه دیده‌اند.

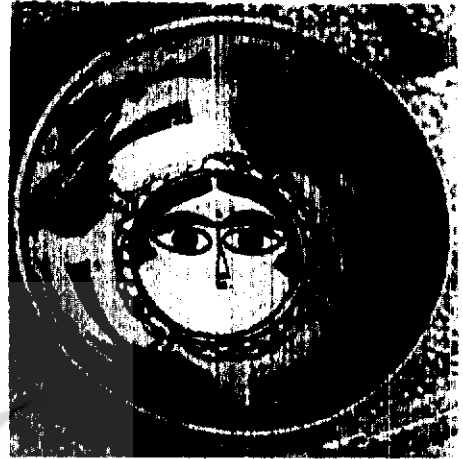
یک خصلت دیگر نقش و نگارهای عامیانه ایران این است که تنها برای فریبندگی و لذت چشم ساخته نشده‌اند و در ماوراء شکل مشهود خود مضامین و معانی گوناگونی را در بر دارند. از جمله ممکن است که مضمون این نقش و



نقش‌ونگار بر افسار شتر از «خور» و «جندق»

Harnachements des chameaux dans la région de Xur et de Djandaq, portant des décors géométriques.

نگارها از معتقدات اساطیری دربارهٔ پیدایش جهان و انسان ملمس شده باشند و به اشکالی که منشأ «گیاهی» و «حیوانی» دارند و یا به «صور فلکی» ربط پیدا کنند. توصیف نقش و نگارهای عامیانه کاسه‌ئی که در دهکدهٔ «لالجین» ساخته شده است می‌تواند شاهد صادقی بر این ادعا باشد. این دهکده در چند فرسنگی شمال «همدان» قرار دارد و کار و مشغلهٔ همدهم‌ش ساختن و فروختن ظروف سفالین است. از این ده هر روز جمبه‌های انباشته از ظروف سفالین به «همدان» و به شهرهای دیگر فرستاده می‌شود.

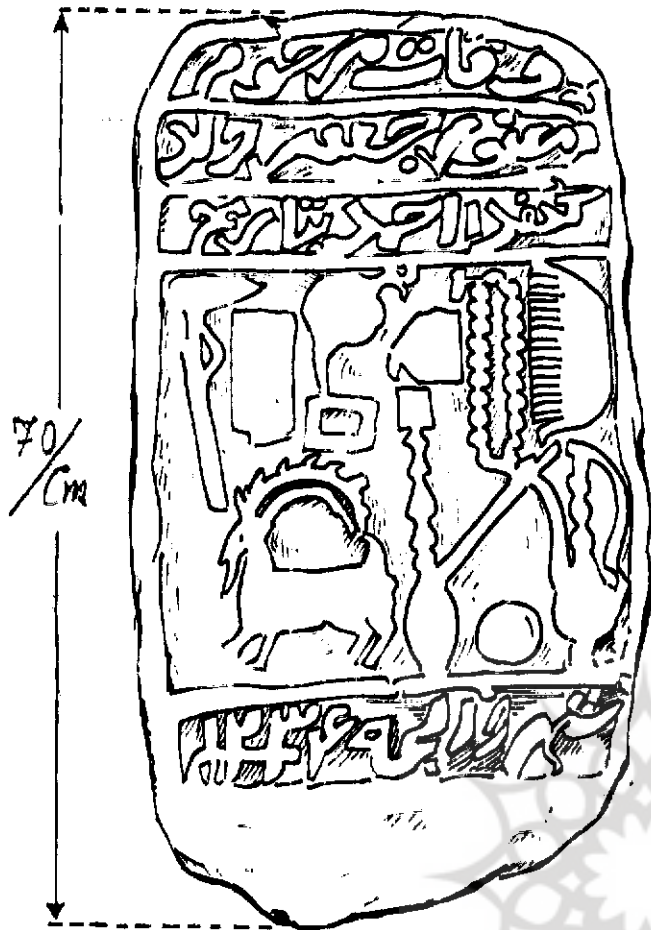


نقش‌ونگار عامیانه کاسه‌ئی که در دهکدهٔ «لالجین» ساخته شده است

Vase en terre cuite avec représentation du soleil et des oiseaux, provenant de Lale-djin

پیشه‌وران دوره‌گرد نیز از همین ظرف‌ها بر چهارپایان بار می‌کنند و برای فروش به دهکده‌های اطراف می‌برند. لالجینی‌ها تا بیست و سی سال پیش بر لعاب کاسه‌کوزه‌هائی که می‌ساختند نقش و نگارهای عامیانه‌ئی نیز می‌نگاشتند که اکنون به سبب‌های تجارتمی‌پیشهٔ خود و برای آنکه به تولید بیشتر بپردازند از آن نقش‌ونگارها چشم‌پوشی می‌کنند. اکنون به‌دشواری می‌توان آخرین سفالینه‌های لعاب‌داده‌ئی را که با نقش‌های «گل و بوته»، «مرغ، ماهی» و «انسان» تزئین شده است در خانه‌های مردم «لالجین» یافت. رمز مواد پاره‌ئی از لعابهای رنگین این کاسه‌کوزه‌ها با سازندگان به‌گوررفت؛ ولی نقش‌ونگارهایی که از آنها به‌جای مانده است گواه ذوق، اشتیاق، دلبستگی‌ها و معتقدات آنان است. در کاسه‌ئی که نقش و نگارش به ضمیمهٔ این مقاله ارائه می‌شود، چهرهٔ زنی نگاشته شده است که ابروان سیاه و پیوسته‌ئی دارد و





نقش و نگارهای عامیانه سنگ
مزاری که در «پشتکوه» (لرستان)
دیده شد

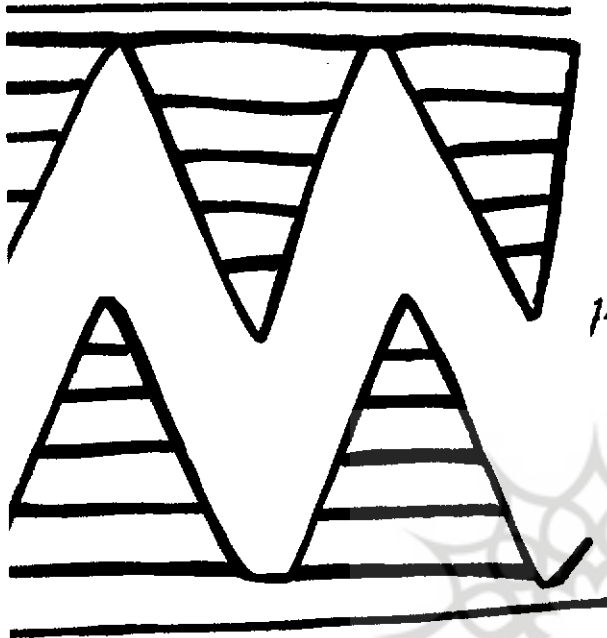
Pierre tombale provenant de
la région Lorestan portant
des décors populaires

مضامین آنها از زندگی روزمره اخذ شده
است. مثلاً نقش و نگار سنگ قبری که طرح
و تصویر آن با این مقاله ارائه می‌شود و در

چشمان بادامی‌اش به تناسب همان ابرو بزرگ
است. ولی دهان خنچه‌نی زن بسی کوچک می-
نماید. در گیسوان این زن، مانند آرایش زنان
قبرجی از میان پیشانی فرق باز شده و موها در
دو سوی چهره با اندکی چین و شکن گوشها را
پوشانده است (شیوه آرایش و ذوق زیباپسندی).
اطراف این سر و چهره با خط‌هایی تزئینی
آراسته شده است. این خطوط نور و گرمی
چهره را افزوده‌اند تا به خورشید شبیه شود. با
مشاهده چهره زن در قالب خورشید، این اعتقاد
عامیانه ایرانی تداعی معانی خواهد شد که بنا بر آن
ماه مرد و خورشید زن پنداشته می‌شود (خورشید
خانم آفتاب‌کن، یک مشت برنج تو آب کن...).
در چهار سمت این «خورشید»، به کنایه از چهار
جهت اصلی، نقش‌های «مرغ» و «ماهی» را می-
بینیم که در پی هم نگاشته شده‌اند. اگر ماهی را
نشانه آب و دریاها و مرغ را هم نشانه خشکی
و سرسبزی‌ها بدانیم، همه جهان‌هستی را، اگر
چه به استعاره، در این کاسه خواهیم یافت.
بی‌شک سازنده نقش‌ونگارهای این کاسه از
پیدایش گیتی و راز هستی در شگفت بود. مگر
نه این است که اندیشه‌های بشر، حتی اگر
عامیانه یا مبهم، چیزی نیست جز انعکاس
پدیده‌های عینی. پس پذیرفتنی است اگر بگوئیم
که آب، باد، خاک، آسمان، ماه و خورشید که
مشهوداتی مستقل از نیروی اندیشه‌اند، در
اندیشه نگارگر انعکاس یافته‌اند و موجب
اشتغالات ذهنی او شدند. بی‌جهت نیست که
این کاسه، هر چند به استعاره و تمثیل، دنیائی
را می‌نمایاند. دنیائی که البته خورشیدش در
آسمان است و آسمان همان کاسه گرد است.
خورشید و آسمان، بر فراز زندگی خاک‌نشینان،
اعمال آنان را نظاره می‌کنند. پس برای نمایش
این نظاره و بینائی آنان است که خورشید با
چشم و ابرو نگاشته شده است.

بعضی از نقش و نگارهای عامیانه اشاره یا
کنایه‌نی هستند از حوادث مشهور عشقی و یا
وقایع مذهبی و یا رویدادهای ملی و حماسی که
برای قاطبه مردم مجذوب‌کننده‌اند و وسیله‌نی
شده‌اند برای بیان حواطف و احساساتشان. ولی
نقش و نگارهای عامیانه‌نی هم دیده می‌شوند که

«پشتکوه» (لرستان) دیده شد، دارای چنین مضمونی است. نقش و نگارهای این سنگ قبر نشانه‌هایی هستند از اشتغالات زندگی روزمره یک مرد ایلیاتی و دلیق و دل‌بستگی‌هایش. «تنگک» و «سایم‌دان» و «بزکوهی» را می‌توان نشانهٔ ورزیدگی در شکار و آمادگی جنگی دانست که از خصوصیات زندگی ایلیاتیان است. «قلیان» و «آفتابه لکن» نشانهٔ رفاه و دارندگی و پاکیزگی است و یا تظاهر به دارندگی و پاکیزگی. «مهر» و «شانه» و «تربیع» نشانهٔ ایمان مذهبی است. مجموعهٔ نقش‌های این سنگ قبر تصویری زنده و عینی از مرد ایلیاتی ارائه می‌دهند. این نقش و نگارها همچنین بیاز معنی زندگی‌اند از زبان خاموش‌شدهٔ آن مرد. بیانی عامیانه و صریح. توصیف معسامین نقش و نگارهای عامیانهٔ ایران به همین جا محدود نمی‌شود. بملاوه، خصوصیات صوری این نقش و نگارها نیز حرف

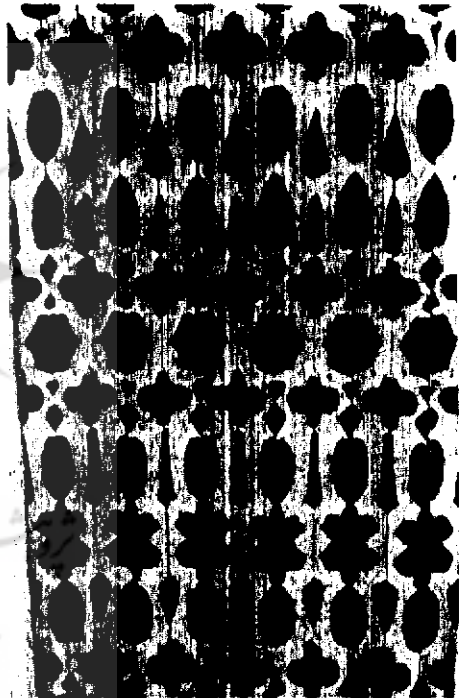


14 Cm

ظرف چوبی که مازندران‌ها آنرا «لاک» می‌نامند این ظرفها عموماً دارای نقش و نگارهای عامیانه است

Vase en bois portant des dessins populaires provenant de Guilan.

و حدیث دیگری دارد که در این مقاله نمی‌کنجد. ولی چند طرح و تصویر با حواشی لازم ارائه می‌شود که از «مجموعهٔ گردآوری‌شدهٔ نقش و نگارهای عامیانهٔ ایران»^۱ اخذ شده است. مقصود



پنجسرهٔ مشبک چوبی یک خانهٔ روستائی، ارتفاع کمتر از یکمتر. از «هاکده» واقع در «اساز-گیلان»

Fenêtre en bois ajouré, provenant de la région de Guilan (haut. env. 1.m.)

۱- از چند سال پیش با تأیید و مساعدت «هنرهای زیبای کشور» - و بعدها «وزارت فرهنگ و هنر» - برای نویسندهٔ این مقاله امکان گردآوری و بررسی نقش و نگارهای عامیانهٔ ایران فراهم شد و توانست ضمن مسافرت به نقاط مختلف ایران که به قصد مطالعهٔ زندگی مردم صورت گرفته است بخشی از نقش و نگارهای عامیانهٔ ایران را در مجموعه‌ای گردآوری کند و تدریجاً مجموعهٔ گردآوری شده را غنی‌تر سازد.

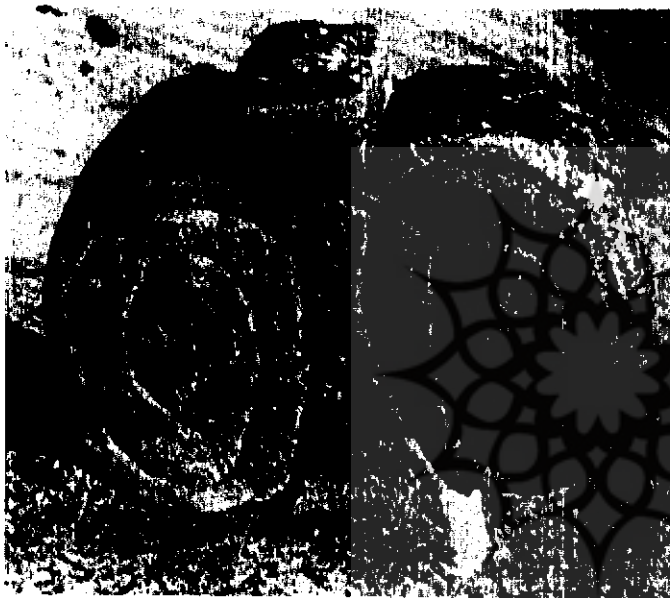


Sac en toile de laine avec des motifs figuratifs populaires.

نقش «شکار» برخوجین از اردستان

مقاله حاضر این نکته اساسی آشکار شود که نقش و نگارهای عامیانه ایران از مردم برخاسته اند و روی به مردم دارند و با مردم در رابطه اند. این نقش و نگارها از آنچه که در زندگی مردم

از ارانه این طرح و تصویرها معرفی مقدماتی نقش و نگارهای عامیانه و آشنائی با مهمترین خصوصیات آن است که در این گفتارها برخی از آن خصوصیات یادآوری شد. امید است در



نقش «شاخ قوچ» بر سرستون خاله ترکمنی
و سنگ قبر ترکمنی

Un chapiteau et une pierre tom-
bale turkoman figurant les cornes
d'un bélier.

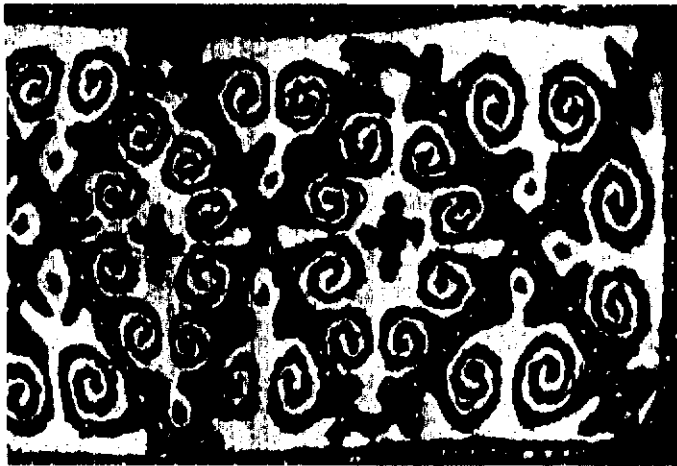
«شاخ قوچ» و علت تکرار آن در مظاهر گونه-
گون زندگی ترکمانان فراموش شده است؛ در
حالیکه هنوز بسیاری از ترکمنهای ایران سنگ
مزارهاشان را به هیئت «شاخ قوچ» می‌تراشند

مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران

می‌گذرد و از آنچه که بر زندگی آنان گذشته
است حکایت می‌کنند. به این سبب‌هاست که
نقش و نگارهای عامیانه ایران را می‌توان آینه
اندیشه و فرهنگ و دلبستگی‌های توده مردم
دانست و با گردآوری و بررسی آنها کمک‌ها
کرد به شناسایی هر چه بیشتر همین مردم و
شناسایی معتقدات اساطیری و فلسفی و مذهبی
آنان. پیداست که با این اوصاف، مطالعه
نقش و نگارهای عامیانه بیش‌از همه در تحقیقات
مردم‌شناسی بکار خواهد آمد. چنانکه چند سال
پیش برای نویسنده این مقاله اتفاق افتاد که
ضمن مطالعه در شئون زندگی ترکمن‌های ایران
به نقشی ملموس از «شاخ قوچ» توجه پیدا کرد
که در نمدهای ترکمنی به صورتهای گونه‌گون
تکرار شده است. کمی بعد معلوم شد که همین
نقش به سرستون خان‌های ترکمنی نیز راه دارد و
به صورت اشکال هندسی در نقش قالیچه‌ها و
بافتنی‌های دیگر ترکمنان هم بکار رفته است. به
همین لحاظ، موضوع «شاخ قوچ» به تحقیقات
دیگر مربوط به زندگی ترکمنهای ایران اضافه
شد و مورد پرس و جو و بررسی قرار گرفت.
سرانجام معلوم شد که ترکمنان از سالیان
پیش و طی زندگی دامداری و کوچندگی خود
که در آن امور عمده تولیدی با پرورش گوسفند
و بهره‌مندی از آن می‌گذشته است، برای «قوچ»
به علت تأثیر مشهودش در باروری و تکثیر
کله اهمیتی پر مضمون قائل شدند. یعنی که امری
عینی با انعکاس در ذهن آنان به امری معنوی
تبدیل شد. بعدها، هم‌زمان با افزایش توجه به
نماتی که از «قوچ» انتظار می‌رفت، به اهمیت
این امر معنوی نیز افزوده شد و انعکاس آن به
صورت ترسیم اشکال گونه‌گونی از «شاخ قوچ»
در مظاهر زندگی بروز کرد. با تکرار این نقش-
نگاریمها در چند نسل، «شاخ قوچ» در بین
ترکمانان اهمیت معنوی فوق‌العاده‌ای پیدا کرد
و تدریجاً بدل شد به مظهر برکت و قدرت.
بدین ترتیب این ادراک عامیانه ترکمانان چیزی
نیست جز مشهودات تبدیل‌شده شئون مادی
زندگی آنان به امری ذهنی که بی‌شک و جوهی از
شعور و اندیشه چند نسل از ترکمانان را نیز
دارا است. اکنون البته منشاء پیدایش نقش

و حتی «شاخ قوچ» را عیناً بر روی قبرها می-گذارند. به هر صورت، این موضوع شاهد صادقی است بر این ادعا که در تحقیقات مردم-شناسی برای شناسایی شؤن فرهنگی زندگی می-توان از نقش و نگارهای عامیانه نیز کمک گرفت و به آنها استناد کرد. به این لحاظ، مصلحت است که گردآوری این نقش و نگارها در دستور کار مردم شناسی قرار گیرد که در ایران به مطالعات مردم شناسی اشتغال دارند.

از سوئی دیگر، بدون گردآوری و بررسی نقش و نگارهای عامیانه ایرانی، بررسی «هنرهای تصویری ایران» و تحقیق در قانونمندی

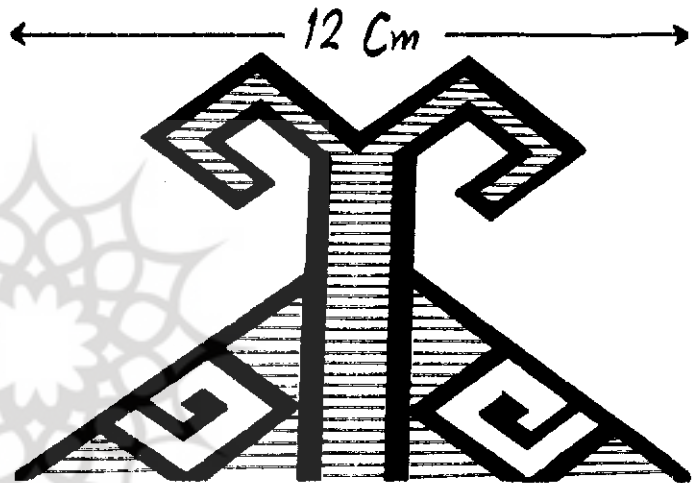


نقش «شاخ قوچ» برآمد ترکمنی

Tapis de feutre turkoman portant le motif des cornes de bœliers.

تدوینات و سیر پیشرفت این هنرها ممکن نمی شود. زیرا هنرهای تصویری در ایران دارای نقوشی هستند که یا بر بنیاد نقش و نگارهای عامیانه ایران ایجاد شده اند و یا با این نقش و نگارها پیوندهائی دارند. هرچند که طرحهای «اسلمی» و «عقباتی» و انواع «بوت جت» و «کلپهای شاه عباسی» (که می توان آنها را نقشهای «کلاسیک» ایرانی نامید) با نقش های عامیانه تفاوتی دارند و از آنها متمایزند، ولی در کنار این تمایز و تفاوت، وجوه مشترک و یگانگی بنیاد آنها پیداست. به علاوه، باید بازر داشت که گردش آوری و بررسی نقش و نگارهای عامیانه ایران می تواند کلیدی هم باشد برای کنشش رموز و استعارات و کنایات که در هنر ادبیات ایران فراوان است.

نتیجه اینکه نقش و نگارهای عامیانه ایران شایسته گردآوری و سزاوار بررسی اند. گردش آوری و بررسی این نقش و نگارها می تواند بهره ها داشته باشد برای همه کسانی که به موضوعات گونه گون اجتماعی ایران علاقه مندند و یا در این باره ها تحقیق می کنند. و نیز می تواند بهره ها داشته باشد برای اهل ادب و هنر و همه اندیشمندان که طبع مشتاق غور و شور در مضامین فرهنگی اند.



نقش «شاخ قوچی» بر خورجین ترکمنی

Sac de toile en laine figurant les cornes de bœles, provenant de la région des Turkomans.